

توسعه شمول مالی، بستری جهت ارتقاء عدالت اقتصادی در کشور

نوع مقاله: پژوهشی

امیرحسین مزینی^۱

فاطمه جبّاری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷

چیکده

شمول مالی مفهومی است که بر دسترسی همگانی به خدمات مالی باکیفیت، اقتصادی و کارآمد دلالت دارد. در دهه اخیر توسعه شمول مالی به عنوان یکی از مجاری دستیابی به توسعه همراه با عدالت اقتصادی مورد توجه و تأکید کشورها قرار گرفته است. در این راستا در مقاله حاضر بررسی اهمیت توسعه شمول مالی به عنوان راهکاری برای ارتقای عدالت اقتصادی در ایران در دستور کار می باشد. بدین منظور به صورت خاص، روش هایی نظیر تأمین مالی خرد و زنجیره ای که می توانند دسترسی عمومی به خدمات مالی را بهبود بخشند و فرصت های اقتصادی برابر ایجاد کنند، مورد بررسی قرار گرفته اند. در ادامه تلاش گردیده با استفاده از شاخص های منتخب همچون تسهیلات پرداختی، ضریب نفوذ بیمه و دسترسی به ابزارهای پرداخت الکترونیکی تصویری از وضعیت شمول مالی در اقتصاد کشور ارائه گردد. در این خصوص مشاهده گردید علیرغم پیشرفت های حاصل شده، هنوز چالش هایی در زمینه شمول مالی وجود دارد که نیازمند سیاست گذاری های مؤثر است. در ادامه ضمن احصا کارکردهای شمول مالی و شاخص های عدالت اقتصادی تلاش گردید قابلیت های توسعه شمول مالی در ارتقاء عدالت اقتصادی تبیین گردد. نتایج حکایت از آن دارد که توسعه شمول مالی در ایران نه تنها یک ضرورت اقتصادی بلکه یک الزام اجتماعی است که می تواند به برقراری عدالت اقتصادی با تأکید بر آموزه های اسلامی نیز کمک نماید.

واژگان کلیدی: شمول مالی، عدالت اقتصادی، رشد اقتصادی، ایران

طبقه بندی JEL: G21, G38, D63, O23

mozayani@modares.ac.ir

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

fatemeh.jabbari@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه تهران

مقدمه

شمول مالی به عنوان مفهومی که بر تلاش برای ارتقای دسترسی همگانی به خدمات مالی باکیفیت، مقرون به صرفه و کارآمد اشاره دارد، از ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... قابل بررسی است. از مهم ترین کارکردهای آن از منظر اقتصادی می توان به قابلیت های آن در توانمندسازی اقتصادی افراد، کاهش فقر و تقویت بنیان های کارآفرینی و ... اشاره نمود. ضمن اینکه همزمان می تواند در حوزه هایی چون تقویت استحکام و ثبات اقتصادی و تحکیم ارکان دموکراسی اقتصادی نیز ایفای نقش نماید.

ایران، که با چالش های خاصی از قبیل تحریم های بین المللی و مسائل داخلی سیاسی و اجتماعی، توزیع نابرابر درآمد، تورم مزمن و ... روبرو است، می تواند از مزایای توسعه شمول مالی بهره مند شود. تقویت دسترسی به خدمات مالی می تواند به ایجاد یک بازار مالی عادلانه تر و جامع تر منجر شود، جایی که تمامی اقشار جامعه از فرصت های برابر برخوردار باشند.

در این راستا، تأمین مالی خرد و تأمین مالی زنجیره ای دو استراتژی کلیدی به شمار می روند که می توانند نقش مهمی در بهبود دسترسی به خدمات مالی و فراهم آوردن فرصت های اقتصادی عادلانه تر ایفا کنند. تأمین مالی خرد، که شامل ارائه وام های کوچک به افراد و کسب و کارهای کم بر خوردار است، کسب و کار و رشد اقتصادی را گسترش داده و به کاهش فقر کمک می کند. این نوع تأمین مالی، به ویژه برای زنان و جوانانی که دسترسی کمتری به منابع سنتی دارند، می تواند به عنوان یک توانمندساز عمل کند.

از سوی دیگر، تأمین مالی زنجیره ای به کسب و کارها این امکان را می دهد تا نگرانی نسبت به تأمین سرمایه در گردش خود را مرتفع نموده و در شرایط بازار ناپایدار مانند تحریم ها و نوسانات اقتصادی، ثبات بیشتری داشته باشند. این شیوه تأمین مالی، با تمرکز بر تسهیل تراکنش ها و معاملات در زنجیره تأمین، به کسب و کارهای بزرگ و کوچک امکان می دهد تا ضمن در اختیار داشتن اعتبار (منابع) لازم برای سرمایه گذاری و تأمین نهاده ها، ریسک های مرتبط با تأخیر در پرداخت ها و نقدینگی را کاهش دهند.

هر دوی این تئوری ها، به عنوان مصادیقی از گسترش شمول مالی در ترکیب با یکدیگر، می توانند به تقویت عدالت اقتصادی در ایران کمک کنند. با ایجاد فرصت های برابر برای دسترسی به منابع مالی، می توان پایه های یک جامعه پایدارتر و عادلانه تر را استوار ساخت. این اقدامات، نه تنها به تأمین مالی افراد و بنگاه ها کمک می کنند بلکه به تقویت ساختار کلی اقتصاد کشور نیز می انجامد و در نهایت به ارتقاء وضعیت اقتصادی و اجتماعی کل جامعه منجر می شود. در مطالعه حاضر در نظر است به ابعاد مقوله شمول مالی پرداخته و نقش آن در ارتقاء عدالت اقتصادی در ایران مورد ارزیابی قرار گیرد.

توجه به این موضوع به ویژه از این حیث که در سال ابتدای برنامه هفتم قرار داریم می‌تواند یکی از تئوری‌های مهم سیاست‌گذاران اقتصادی در سال‌های پیش‌رو باشد. بدین منظور مقاله حاضر از ۴ بخش تشکیل گردیده است. پس از مقدمه حاضر به مبانی نظری بحث شامل تعریف، ماهیت و تئوری‌های شمول مالی و عدالت اقتصادی پرداخته می‌شود. سپس مطالعات تجربی مورد اشاره قرار می‌گیرند و در ادامه ارزیابی و آسیب‌شناسی اقتصاد ایران از منظر شمول مالی در دستور کار قرار می‌گیرد و در نهایت نتیجه‌گیری مقاله پرداخته می‌شود.

۱. مروری بر ادبیات موضوع

۱-۱. مبانی نظری

۱-۱-۱. مروری بر مفهوم و ماهیت شمول مالی

شمول مالی به فرآیندی اشاره دارد که در آن افراد و کسب‌وکارها به خدمات مالی مفید و مقرون به صرفه‌ای که نیازهای آنها را برآورده می‌کند، دسترسی دارند و می‌توانند به‌طور مؤثر از آنها استفاده کنند. این خدمات شامل طیف گسترده‌ای از محصولات مالی می‌شود، از جمله حساب‌های بانکی، وام‌ها، انواع بیمه‌ها، خدمات پرداخت، بسترهای انتقال وجه، خدمات مالی دیجیتال و ... هدف اصلی شمول مالی این است که اطمینان حاصل شود هیچ فرد یا گروهی به دلیل فقر، موقعیت جغرافیایی، سطح سواد، یا سایر موانع اجتماعی و اقتصادی از دسترسی به خدمات مالی محروم نشود.^۱ فلسفه وجودی شمول مالی در توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی افراد نهفته است. می‌توان مهم‌ترین دستاوردهای شمول مالی را به شرح زیر برشمرد:^۲

- توانمندسازی فردی و خانوادگی: افراد می‌توانند پس‌انداز کنند، سرمایه‌گذاری کنند، به بیمه دسترسی داشته باشند و وام بگیرند، که این امر می‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری آنها در برابر شوک‌های مالی کمک کند.
- تقویت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط: شمول مالی به کسب‌وکارهای کوچک امکان دسترسی به سرمایه را می‌دهد، که برای رشد، نوآوری و ایجاد اشتغال ضروری است.
- تقویت رشد اقتصادی: با گسترش دسترسی به خدمات مالی، فعالیت‌های اقتصادی افزایش می‌یابد، که این امر به رشد اقتصادی و کاهش فقر کمک می‌کند.

1. <https://www.worldbank.org/en/topic/financialinclusion>

۲. www.investopedia.com

- افزایش ثبات مالی: با درگیرکردن بخش بزرگی از جامعه در سیستم مالی رسمی، نقدینگی به صورت مؤثر به جریان افتاده و پایداری سیستم مالی افزایش می‌یابد.
- آموزش مالی و سواد: شمول مالی افراد را به دانش و مهارت‌های مالی ضروری مجهز می‌کند که به آنها قدرت می‌دهد تا تصمیمات آگاهانه بگیرند، به طور مؤثر بودجه‌بندی کنند و مزایای استفاده از خدمات مالی رسمی را به جای تکیه بر جایگزین‌های غیررسمی تجربه نمایند.
- کاهش نابرابری‌های جنسیتی: بر اساس آخرین گزارش جهانی Findex در سال ۲۰۲۲، تعداد زنانی که از خدمات مالی دیجیتال استفاده می‌کنند از سال ۲۰۱۷ به طور چشم‌گیری افزایش یافته است و شکاف جنسیتی از ۹ درصد به ۶ درصد در بازارهای نوظهور کاهش یافته است. اما با وجود این پیشرفت‌ها، ۷۴۲ میلیون زن هنوز از بخش مالی رسمی محروم هستند. و زنان ۳۱ درصد بیشتر از مردان احتمال دارد که حساب بانکی غیرفعال داشته باشند. ۱ با تمرکز بر ابتکارات شمول مالی خاص جنسیت، شمول مالی می‌تواند به توانمندسازی اقتصادی زنان و از بین بردن شکاف جنسیتی در خدمات مالی کمک کند. این تلاش‌ها شامل محصولات مالی مناسب، برنامه‌های سواد مالی و ابتکارات برای ترویج کارآفرینی زنان می‌شود.
- امتیازدهی اعتباری فراگیر: معیارهای سنتی امتیازدهی اعتباری ممکن است کسانی را که سابقه اعتباری محدودی دارند بیگانه یا با تبعیض مواجه نمایند. شمول مالی تلاش می‌کند تا با روش‌های جایگزین امتیازدهی اعتباری مناسب دسترسی اعتباری را به کسانی که سابقه اعتباری محدودی دارند گسترش دهد.
- حمایت از مصرف‌کننده: از آنجا که محافظت از مشتریان در کسب‌وکارها ضروری است، شمول مالی تلاش می‌کند تا مقرراتی را برای حمایت از منافع افراد آسیب‌پذیر مالی اجرا کند. چارچوب‌های قوی حمایت از مصرف‌کننده تضمین می‌کنند که مؤسسات مالی با رفتار منصفانه، قیمت‌گذاری شفاف و اخلاقی عمل کنند، که این امر اعتماد به خدمات مالی رسمی را تقویت می‌کند. هدف شمول مالی این است که اطمینان حاصل شود حتی کسانی که در مورد مسائل مالی بی‌سواد یا بی‌اطلاع هستند، همچنان بتوانند به سیستم مالی اعتماد کنند.

۲-۱-۱. نظریه‌های شمول مالی ۲

چندین تئوری و چارچوب مفهومی وجود دارد که اهمیت و عملکرد شمول مالی را توضیح می‌دهند، که در ادامه به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد:

1. www.womensworldbanking.org
2. www.investopedia.com

- ✓ نظریه ترجیحات زمانی و پس‌انداز: این نظریه بیان می‌کند که افراد با دسترسی به ابزارهای مالی مناسب، می‌توانند پس‌انداز کنند و مصرف خود را در طول زمان بهینه‌سازی کنند، که این امر به ثبات مالی آنها کمک می‌کند.
- ✓ نظریه اطلاعات نامتقارن: این نظریه به موانعی اشاره می‌کند که به دلیل عدم تقارن اطلاعات بین وام‌دهندگان و وام‌گیرندگان وجود دارد. شمول مالی می‌تواند با بهبود دسترسی به اطلاعات و کاهش هزینه‌های تراکنش، این موانع را کاهش دهد.
- ✓ نظریه نوآوری مالی: این نظریه بر نقش فناوری‌های جدید در گسترش شمول مالی تأکید دارد. فناوری‌های مالی (فین‌تک) مانند بانکداری موبایل و پرداخت‌های دیجیتال می‌توانند دسترسی به خدمات مالی را به‌ویژه در مناطق دورافتاده افزایش دهند.
- ✓ نظریه شمول اجتماعی: این نظریه بیان می‌کند که شمول مالی بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای شمول اجتماعی است، که هدف آن کاهش محرومیت و افزایش مشارکت همه افراد در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی است.
- ✓ نظریه کاهش فقر و نابرابری: شمول مالی فرصت‌هایی را برای افراد به حاشیه رانده شده و کم‌درآمد فراهم می‌کند تا به خدمات مالی رسمی مانند پس‌انداز، اعتبار و بیمه دسترسی داشته باشند. با توانمندسازی آنها با ابزارهایی برای مدیریت امور مالی و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های درآمدزا، شمول مالی می‌تواند به خارج نمودن مردم از فقر و کاهش نابرابری‌های اقتصادی کمک کند.
- ✓ نظریه توسعه مالی و رشد اقتصادی: این نظریه پیشنهاد می‌کند که توسعه بخش مالی یک عامل کلیدی در رشد اقتصادی است. یک استدلال کلی این است که وقتی افراد بیشتری به خدمات مالی دسترسی داشته باشند، می‌توانند به طور فعال در اقتصاد شرکت کنند. افزایش شمول مالی منجر به سطوح بالاتر پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و کارآفرینی می‌شود و رشد و ثبات اقتصادی را هم در جوامع محلی و هم در اقتصادهای ملی تقویت می‌کند.
- ✓ نظریه توانمندسازی اقتصادی: شمول مالی جمعیت‌های به حاشیه رانده شده را توانمند می‌کند. به عنوان مثال ابتکارات شمول مالی با هدف زنان، می‌تواند برابری جنسیتی و توانمندسازی اقتصادی زنان را ارتقا دهد. با فراهم کردن دسترسی به خدمات مالی، زنان کنترل بیشتری بر امور مالی خود به دست می‌آورند که می‌تواند منجر به بهبود فرصت‌های آموزشی، نتایج بهداشتی بهتر و افزایش قدرت تصمیم‌گیری در خانواده‌ها شود.

✓ نظریه ارتقا مشاغل کوچک: کسب و کارهای کوچک اغلب در دسترسی به منابع بانکی سنتی با چالش‌هایی مواجه هستند. شمول مالی از طریق مدل‌های نوآورانه وام‌دهی و پلتفرم‌های آنلاین می‌تواند بودجه بسیار مورد نیاز کارآفرینان را برای رشد کسب و کار خود فراهم کند. شمول مالی یک عنصر اساسی در دستیابی به توسعه پایدار و عدالت اقتصادی است. با درک ماهیت و نظریه‌های مرتبط با شمول مالی، می‌توان سیاست‌ها و برنامه‌هایی را طراحی کرد که به بهبود دسترسی به خدمات مالی برای همه افراد جامعه منجر شود. این امر نه تنها به کاهش فقر و نابرابری کمک می‌کند، بلکه به تقویت ثبات و پایداری سیستم مالی و اقتصادی نیز می‌انجامد.

۱-۳. مروری بر مفهوم و ماهیت عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی مفهومی است که به توزیع منصفانه و عادلانه منابع، ثروت و فرصت‌های اقتصادی در جامعه اشاره دارد. این مفهوم بر این ایده استوار است که همه افراد، بدون توجه به نژاد، جنسیت، طبقه اجتماعی یا سایر ویژگی‌های فردی، باید به طور برابر از مزایا و فرصت‌های اقتصادی برخوردار باشند. عدالت اقتصادی تلاش می‌کند تا اطمینان حاصل شود که ساختارهای اقتصادی به نفع همه اعضای جامعه عمل می‌کنند، نه فقط به نفع گروهی خاص (با اقتباس از عزتی و همکاران، ۱۴۰۰). ماهیت عدالت اقتصادی در اصول اخلاقی و اجتماعی عمیقی ریشه دارد که بر برابری، انصاف و حقوق بشر تأکید می‌کنند. برخی از ویژگی‌های کلیدی عدالت اقتصادی عبارتند از (با اقتباس از عزتی و همکاران، ۱۴۰۰):

- توزیع عادلانه منابع: اطمینان از اینکه ثروت و منابع به گونه‌ای توزیع می‌شوند که نیازهای اساسی همه افراد برآورده شود.
- فرصت‌های برابر: فراهم کردن شرایطی که در آن همه افراد بتوانند به فرصت‌های اقتصادی مانند اشتغال، آموزش و مالکیت دارایی دسترسی داشته باشند.
- رفع نابرابری‌های ساختاری: شناسایی و اصلاح سیستم‌ها و ساختارهایی که به طور سیستماتیک برخی گروه‌ها را از مزایا محروم می‌کنند.
- مشارکت و شمول: تشویق به مشارکت فعال همه افراد در فرآیندهای اقتصادی و تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی آنها تأثیر می‌گذارد.

۱-۴. تئوری‌های عدالت اقتصادی

رویکرد نظری به مقوله عدالت از ابعاد مختلفی مورد بحث قرار گرفته است. در ادامه به دو مورد از طبقه‌بندی‌های صورت گرفته در ارتباط با مبانی نظری عدالت اشاره می‌شود.

- الف. در این رویکرد مقوله عدالت برحسب مولفه‌های بدیهی در حیات بشر همچون آزادی، پاسخ به نیازها و ... مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.
- ✓ نظریه عدالت ۱ (جان رالز ۲؛ ۱۹۷۱): این نظریه بر چند اصل کلیدی استوار است که عبارتند از:
- اصل آزادی برابر: هر فرد باید از حقوق و آزادی‌های اساسی برابر برخوردار باشد.
 - اصل تفاوت: نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که بیشترین نفع را برای کم‌بضاعت‌ترین اعضای جامعه داشته باشند.
 - اصل برابری فرصت منصفانه: موقعیت‌ها و مناصب باید برای همه به طور برابر قابل دسترس باشند.
- ✓ نظریه فایده‌گرایی ۳ (جان استوارت میل ۴؛ ۱۸۶۳): این نظریه پیشنهاد می‌کند که یک توزیع عادلانه، توزیعی است که بیشترین خوشبختی یا رفاه را برای بیشترین تعداد افراد ایجاد کند. بنابراین، سیاست‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که مجموع رفاه جامعه را حداکثر کنند.
- ✓ نظریه استحقاق ۵ (رابرت نوزیک ۶؛ ۱۹۷۴): بر اساس این نظریه، عدالت در توزیع به چگونگی کسب و انتقال دارایی‌ها بستگی دارد. تا زمانی که دارایی‌ها از طریق روش‌های عادلانه کسب شده باشند، هر نوع توزیعی عادلانه است.
- ✓ نظریه قابلیت‌ها ۷ (آمارتیا سن ۸؛ ۱۹۸۵): این تئوری بر توانایی افراد در دستیابی به عملکردها و فعالیت‌هایی که برایشان ارزشمند است، تمرکز دارد. عدالت اقتصادی باید شرایطی را فراهم کند که در آن افراد بتوانند قابلیت‌های خود را به حداکثر برسانند.
- ✓ نظریه نیازها ۹ (آگنس هلر ۱۰؛ ۲۰۱۸): این نظریه تأکید می‌کند که منابع باید بر اساس نیازهای افراد توزیع شوند، به طوری که نیازهای اساسی همه برآورده شود پیش از آنکه منابع اضافی به دیگران تخصیص یابد.

۱. Theory of Justice

۲. John Rawls

۳. Utilitarianism

۴. John Stuart Mill

۵. Entitlement Theory

۶. Robert Nozick

۷. Capability Approach

۸. Amartya Sen

۹. Theory of Needs

۱۰. Agnes Heller

می‌توان اینگونه مطرح نمود که عدالت اقتصادی یک مفهوم پیچیده و چندبعدی است که با اخلاق، سیاست و اقتصاد در هم تنیده است. درک ماهیت و تئوری‌های مرتبط با عدالت اقتصادی این امکان را می‌دهد تا سیاست‌ها و ساختارهایی توسعه یابند که به توزیع عادلانه‌تر منابع و فرصت‌ها منجر شوند. این امر نه تنها به کاهش فقر و نابرابری کمک می‌کند، بلکه به ایجاد جوامعی پایدارتر و منصفانه‌تر نیز می‌انجامد که در آن همه افراد می‌توانند به طور کامل در زندگی اقتصادی مشارکت کنند و از ثمرات آن بهره‌مند شوند.

ب. در رویکردی دیگر نحوه مواجهه و ارزیابی مصادیق عدالت مبنای مطالعه و طبقه‌بندی قرار می‌گیرد. در این رابطه می‌توان به طبقه‌بندی سه‌گانه زیر اشاره نمود:

❖ رویکرد ابزار محور^۱: در این دیدگاه بیش از همه به ویژگی برابری همگانی در برابر قانون و فراهم گردیدن امکانات و فرصت‌های برابر برای همه و برخورداری یکسان افراد از مزیت‌ها و نامزیت‌ها تکیه می‌گردد.

❖ رویکرد فرآیند محور^۲: در این رویکرد توجه عمده به روشی است که افراد برای تسلط و تملک بر اموال خود به کار گرفته‌اند و معیار عدالت به کارگیری این قاعده است که محصول کار و فعالیت هرکس به خودش تعلق گیرد افراد برای فعالیت‌های اقتصادی از آزادی برابر برخوردار باشند.

❖ رویکرد نتیجه محور و غایت‌گرا^۳: برخی دیگر از نظریه‌پردازان عدالت در بررسی مسأله عدالت بیش از همه به بررسی نتایج حاصله و سهم‌بری افراد پرداخته‌اند و معیارهایی نظیر برابری درآمدهای قابل تصرف، برابری مطلوبیت‌های درآمدی یا توازن نسبی درآمدها را به عنوان شاخص عدالت اقتصادی در جامعه برشمرده‌اند (توتونچیان و عیوضلو؛ ۱۳۷۹).

۲-۱. مبانی تجربی

در ارتباط با رابطه میان شمول مالی و ابعاد مختلف عدالت اقتصادی مطالعات محدودی وجود دارد. از این میان باتوجه به موضوع مقاله حاضر می‌توان به موارد زیر (به تفکیک داخلی و خارجی) اشاره نمود:

۱-۲-۱. مطالعات داخلی

بیدختی، پورمقدم و رزمی (۱۴۰۱) در مقاله "اثر شمول مالی بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه" به بررسی اثر شمول مالی بر نابرابری درآمد در ۱۸ کشور منتخب در حال توسعه

1. Means-Oriented Rules
2. Process Oriented Rules
3. End (Gole) Oriented Rules

طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ با استفاده از مدل داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. شمول مالی به عنوان یک مفهوم چندبعدی در دو بُعد دسترسی و استفاده به‌طور جداگانه مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین تأثیر متغیرهای تورم، رشد اقتصادی، بیکاری و باز بودن تجاری بر نابرابری درآمد بررسی شده است. نتایج نشان می‌دهد که شمول مالی در هر دو بُعد دسترسی و استفاده، اثر معکوس و معناداری بر نابرابری درآمد دارد؛ به‌طوری‌که افزایش یک واحد در شمول مالی در بُعد دسترسی، ضریب جینی را به میزان ۰,۰۴۱۲ واحد و در بُعد استفاده به میزان ۰,۰۰۱۲ واحد کاهش می‌دهد. این یافته‌ها تأیید می‌کند که گسترش شمول مالی می‌تواند به کاهش نابرابری درآمد کمک کند. بر اساس نتایج، توصیه می‌شود زیرساخت‌های مالی و بانکی به‌ویژه در مناطق محروم و روستایی تقویت شوند و سیاست‌ها بر ترویج و نهادینه‌سازی هر دو سوی عرضه و تقاضای مالی متمرکز شوند تا شمول مالی به‌عنوان ابزاری مؤثر در کاهش نابرابری درآمد عمل کند.

عزتی، عزتی و مزینی (۱۴۰۰) در مقاله "تحلیل مؤلفه‌های عدالت اقتصادی ایران" با تمرکز بر جامعه ایران، مفاهیم عدالت و اجرای آن در سیستم‌های اقتصادی را تحلیل کرده‌اند. آنها چهار مؤلفه اصلی—عدم تبعیض، تساوی در استحقاق‌ها، امکان دستیابی به فرصت‌ها و عدالت در مفهوم خود—را بررسی و نقاط قوت و ضعف هر یک را مطرح کرده‌اند. با تحلیل دیدگاه‌های دینی و فلسفی و تطبیق آنها با وضعیت فعلی اقتصاد ایران، تأکید مقاله بر توسعه شاخص‌های جدید عدالت اقتصادی برای بهبود سیستم‌های ارزیابی است. این پژوهش به افزایش توانایی در پیاده‌سازی سیاست‌های اقتصادی مؤثرتر جهت دستیابی به عدالت اقتصادی در ایران منجر می‌شود.

شاکری، مومنی، خادم‌علیزاده و مخزن موسوی (۱۳۹۷) در مقاله "درآمدی بر شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکرد اقتصاد اسلامی" به ارائه شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با چارچوبی اسلامی می‌پردازند و مؤلفه‌های این شاخص پس از بررسی‌های دقیق در منابع اقتصادی و اسلامی مربوط به عدالت اجتماعی و اقتصادی استخراج شده‌اند. این مؤلفه‌ها شامل توزیع منصفانه منابع، فرصت‌ها و امکانات بر اساس شایستگی‌ها، توجه به حقوق منابع و عوامل تولید، توجه به حقوق نسل‌های آینده، سهم‌بری عوامل تولید بر اساس استحقاق‌ها و میزان مشارکت، بازتوزیع درآمد و ثروت، و بهبود وضعیت رفاه جامعه می‌باشند. در نهایت، مقاله به این نتیجه رسیده است که عدالت اقتصادی در چهارچوب اسلامی می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر منابع و افزایش رفاه جامعه کمک کند، و این امر می‌تواند با ارزیابی‌هایی مانند شاخص کیفیت زندگی فیزیکی و بهره‌مندی از امکانات رفاهی، بهره‌وری کل عوامل تولید، و دیگر معیارهای مرتبط مورد سنجش قرار گیرد.

رجایی (۱۳۹۲) در مقاله "مفهوم و شاخص‌های عدالت اقتصادی" به تحلیل مفهوم عدالت اقتصادی در چارچوب اندیشه اسلامی می‌پردازد و شاخص‌هایی نوین برای سنجش این عدالت ارائه

می‌دهد و تأکید می‌کند که عدالت اقتصادی باید توازن در سطح زندگی و عدم تمرکز ثروت در دست اقلیت‌ها را تضمین کند و به نفی فقر مطلق بپردازد. از این رو مقاله پیشنهاد می‌کند که با استفاده از شاخص‌هایی چون نسبت خانواده‌هایی که در محدوده کفاف قرار دارند و نسبت سرپرستان خانوار با درآمد کافی، می‌توان به یک سنجش دقیق‌تر از وضعیت عدالت اقتصادی دست یافت. علاوه بر این، مقاله بر اهمیت نهاد خانواده به عنوان محور اصلی جامعه تأکید دارد و بیان می‌کند که توانمندسازی از طریق آموزش و بهداشت عمومی می‌تواند به تقویت این نهاد کمک کند. همچنین، این مفهوم عدالت مبتنی بر الگوی پیشنهادی چرخه درآمد و توزیع ثروت در اسلام است که در آن، خانواده، عموم مسلمانان و دولت به عنوان سه ضلع اصلی، مانع از شکل‌گیری شکاف‌های فاحش درآمدی در جامعه اسلامی می‌شوند. این سه ضلع با یکدیگر در تحقق عدالت اقتصادی همکاری می‌کنند تا توازن در توزیع و مصرف منابع به گونه‌ای عادلانه حفظ شود.

صدری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان "معیارهای عدالت اقتصادی، استخراج و مصرف کارا و عادلانه منابع پایان‌پذیر" هدف تحلیل مقایسه‌ای معیارهای عدالت اقتصادی بین برداشت‌های دینی و نگرش‌های مدرن آغاز و سپس به بررسی مدلی برای میزان استخراج و مصرف بهینه منابع پایان‌پذیر در اقتصاد ایران بر اساس اصول اقتصاد اسلامی پرداخته است. مقاله نشان می‌دهد که عدالت در منابع خدادادی به معنای تقسیم برابر این منابع بین نسل‌های حاضر و آینده است و بر ضرورت بهره‌برداری عاقلانه از منابع تأکید می‌کند تا حقوق نسل‌های آینده حفظ شود. همچنین، استراتژی‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت در بخش‌های غیرپایان‌پذیر مانند ماشین‌آلات و زیرساخت‌ها مطرح شده تا درآمدهای حاصل از فروش نفت و گاز به گونه‌ای کارآمد و عادلانه مدیریت شود. این مدیریت شامل پس‌انداز و سرمایه‌گذاری دقیق درآمدها برای تضمین سطح زندگی ثابت در طول دوران پس از اتمام منابع است.

۱-۲-۲. مطالعات خارجی

سهراب، چن و اولاه (۲۰۲۴) در مقاله "ارتباط شمول مالی دیجیتال و نابرابری درآمدی: آیا نوآوری فناوری و توسعه زیرساخت‌ها می‌توانند در دستیابی به اهداف توسعه پایدار کمک کنند؟" به بررسی رابطه بین شمول مالی دیجیتال و نابرابری درآمدی در کشورهای BRICS (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) با تأکید بر نقش واسطه‌ای نوآوری فناوری و توسعه زیرساخت‌ها می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که شمول مالی دیجیتال تأثیر منفی معناداری بر نابرابری درآمدی دارد و نوآوری فناوری و توسعه زیرساخت‌ها این تأثیر را تقویت می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نوآوری فناوری

و توسعه زیرساخت‌ها می‌تواند نابرابری درآمدی را در کشورهای BRICS کاهش دهد و از طریق تسهیل تراکنش‌های سریع‌تر، امن‌تر و کم‌هزینه‌تر و افزایش دسترسی به بازارها و خدمات ضروری، به توسعه پایدار کمک کند. این پژوهش بر اهمیت اولویت‌دهی سیاست‌گذاران برنوآوری فناوری و توسعه زیرساخت‌ها جهت دستیابی به اهداف توسعه پایدار و ارتقای شمول مالی در این کشورها تأکید دارد. هی‌یرت و ویل (۲۰۲۴) در مقاله "آیا شمول مالی منبع خوشبختی است؟" با استفاده از داده‌های ۵۹'۲۰۹ نفر از ۲۹ کشور نشان می‌دهد که فراگیری مالی (دسترسی همگانی به خدمات مالی) تأثیر مثبتی بر رضایت از زندگی دارد و این اثر از مجرای بهبود سلامت، ارتقای سطح تحصیلات و تسهیل راه‌اندازی کسب‌وکار عمل می‌کند. همچنین، این تأثیر در کشورهایی با درآمد سرانه بالاتر قوی‌تر و در کشورهایی که به‌تازگی دچار بحران مالی بوده‌اند ضعیف‌تر است. نتایج حاصل از روش‌های مختلف اقتصادسنجی، شامل استفاده از متغیر ابزاری و مدل‌های جایگزین، این یافته‌ها را تأیید می‌کند. از منظر سیاست‌گذاری، ترویج فراگیری مالی تنها به اهداف اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند به افزایش شادی و رضایت از زندگی افراد نیز منجر شود.

خمیری، شفائی، فتحی عطیه، توباره و فؤاد (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان "موازنه بین شمول مالی و ثبات بانک‌های اسلامی در پنج کشور شورای همکاری خلیج فارس: اثر تعدیل‌کننده مسئولیت اجتماعی" به بررسی رابطه غیرخطی بین فراگیری مالی و پایداری بانکداری اسلامی و نقش تعدیل‌کننده مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها در این رابطه می‌پردازد. با استفاده از داده‌های ۲۷ بانک اسلامی فعال در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات) طی سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۰ و روش دو مرحله‌ای GMM، نتایج نشان می‌دهد که بین فراگیری مالی و پایداری بانکداری اسلامی یک رابطه U معکوس وجود دارد. این رابطه نشان می‌دهد که در ابتدا افزایش فراگیری مالی باعث بهبود پایداری بانکداری اسلامی می‌شود، اما پس از رسیدن به سطح بهینه (۷۱٫۶۰٪)، افزایش بیشتر فراگیری مالی به کاهش پایداری منجر می‌شود. همچنین، نتایج حاکی از آن است که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه بین فراگیری مالی و پایداری بانکداری اسلامی را تعدیل کرده و هزینه‌های مرتبط با فراگیری مالی را کاهش می‌دهد. این یافته‌ها نظریه‌های اطلاعات نامتقارن، نمایندگی و ذینفعان را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها می‌تواند به بهره‌برداری از مزایای فراگیری مالی، کاهش هزینه‌های آن و حفظ پایداری بانکداری اسلامی کمک کند. این مقاله چهار جنبه اصلی را بررسی می‌کند: تأثیر فراگیری مالی بر

1. Heyert and Weill

2. Khémiri, Chafai, Fathi Attia, Tobar and Fouad

پایداری بانکداری اسلامی، غیرخطی بودن این رابطه، نقش تعدیل‌کننده مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس نسبت به سایر مناطق.

سارانو، یوسف، گامبو و مایتالا^۱ (۲۰۲۴) در مقاله "شمول مالی و رشد اقتصادی نیجریه: یک بررسی تجربی (۲۰۰۱-۲۰۲۱)" به تأثیر شمول مالی بر رشد اقتصادی نیجریه را در بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ بررسی کرده‌اند. در این مطالعه از طرح پژوهشی پس‌رویدادی^۲ و داده‌های سری زمانی از بولتن آماری بانک مرکزی نیجریه استفاده شده است. متغیرهای بررسی‌شده شامل اعتبار به بخش خصوصی و تراکنش‌های خودپرداز به‌عنوان شاخص‌های شمول مالی و تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص رشد اقتصادی بوده‌اند. تحلیل داده‌ها نشان داد که اعتبار به بخش خصوصی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد، در حالی که تأثیر تراکنش‌های خودپرداز بر رشد اقتصادی مثبت اما از نظر آماری بی‌معنا است. این تحقیق نتیجه‌گیری می‌کند که شمول مالی تأثیر چشمگیری بر رشد اقتصادی نیجریه دارد و پیشنهاد می‌کند که سیاست‌گذاران پولی با کاهش نرخ بهره و تسهیل دسترسی به اعتبارات بخش خصوصی، رشد اقتصادی را تقویت کنند. همچنین، توصیه شده است که بانک‌ها با افزایش تعداد شعب و خودپردازها در مناطق استراتژیک و کاهش تراکنش‌های ناموفق، دسترسی مالی را در مناطق محروم بهبود بخشند. این اقدامات می‌تواند رشد اقتصادی و شمول مالی را در سراسر کشور تقویت کند.

بخش، ژانگ، علی و انس^۳ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان "گذار به سوی پایداری زیست‌محیطی از طریق شمول مالی و دیجیتالی‌سازی در چین: شواهدی از روش نوین رگرسیون کمی-روی-کمی و تحلیل همبستگی موجک" به بررسی پتانسیل ارتقای پایداری زیست‌محیطی در چین از طریق تحلیل رابطه بین شمول مالی، دیجیتالی‌سازی و پایداری زیست‌محیطی می‌پردازد. نتایج نشان‌دهنده ارتباط مثبت قوی بین شمول مالی، دیجیتالی‌سازی و پایداری زیست‌محیطی در چین است. این یافته‌ها بر نقش کلیدی نوآوری فناوری و بخش مالی در هدایت توسعه پایدار تأکید می‌کند. این مطالعه نشان می‌دهد که پذیرش شمول مالی و فناوری پیشرفته برای تقویت پایداری زیست‌محیطی رشد اقتصادی چین ضروری است و این بینش‌ها برای اقتصادهای نوظهور که در پی هم‌راستایی رشد اقتصادی با اهداف توسعه پایدار هستند، اهمیت دارد.

باروس، شهریال، مختار، تریانتو^۴ (۲۰۲۴) در مقاله "سواد مالی اسلامی، شمول مالی اسلامی و عملکرد کسب‌وکارهای خرد" نقش سواد مالی اسلامی در شمول مالی و توسعه کسب‌وکارهای خرد

1. Saranu, Yusuf, Gambo and Maitala

2. ex-post facto

3. Bakhsh, Zhang, Ali and Anas

4. Barus, Syahrial, Muchtar and Trianto

در اندونزی را بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که تنها دو مؤلفه سواد مالی اسلامی بر شمول مالی اسلامی و یک مؤلفه (نگرش مالی اسلامی) بر عملکرد کسب‌وکارها تأثیر مثبت و معنادار دارند. همچنین، شمول مالی اسلامی تأثیر مثبتی بر عملکرد کسب‌وکارهای خرد دارد. این تحقیق بر اهمیت افزایش سواد مالی اسلامی مدیران برای بهبود رشد و عملکرد کسب‌وکارهای خرد تأکید می‌کند.

فونسکا و متری^۱ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان "شمول مالی، توسعه اقتصادی و نابرابری: شواهدی از برزیل" با استفاده از داده‌های کل کارکنان از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ به بررسی سیاست شمول مالی هدفمند برای شهرهای برزیلی با پوشش کم شعب پرداخته‌اند. این سیاست منجر به ورود بانک‌ها و افزایش مشابه در سپرده‌ها و وام‌دهی شده است. همچنین، به رونق کارآفرینی، اشتغال و رشد دستمزدها، به‌ویژه در شهرهایی که در ابتدا فاقد دسترسی بانکی بودند، کمک کرده است. این سودها به طور مساوی تقسیم نشده‌اند و به جای آن با سطح تحصیلات کارگران افزایش یافته‌اند، که به معنای افزایش قابل توجه در نابرابری دستمزد است. تغییرات در نابرابری در شهرهایی که در ابتدا دارای عرضه پایین نیروی کار ماهر بودند، متمرکز شده است، نشان دهنده این است که کمبود استعداد می‌تواند نحوه تأثیر توسعه مالی بر نابرابری را هدایت کند. این پژوهش همچنین اهمیت شمول مالی و تأثیرات آن بر سیاست‌های آینده بانکداری دیجیتال را بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهند که سیاست‌هایی مانند بانکداری دیجیتال که شمول مالی را برای مشتریان خرده‌فروشی و کسب‌وکارهای کوچک و متوسط افزایش می‌دهند، می‌توانند منبع قابل توجهی برای افزایش نابرابری در آینده باشند، اگر با سایر محدودیت‌ها، مانند عرضه محدود سرمایه انسانی که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه رایج است، تعامل داشته باشند.

سگنینگ، دجیوگپ، پیابوئو و نوپیه^۲ (۲۰۲۴) در مقاله‌ای با عنوان "شمول مالی و نابرابری درآمد در آفریقای جنوب صحرا: در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی" بررسی می‌کنند که چگونه دسترسی به خدمات مالی می‌تواند نابرابری‌های درآمدی را کاهش دهد، مخصوصاً در کشورهای با اکثریت مسیحی و زبان رسمی فرانسوی. داده‌ها از سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ نشان می‌دهند که شمول مالی به کاهش نابرابری درآمدی کمک می‌کند. با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی مانند GMM، مشخص شده که رابطه معکوس U-شکل بین شمول مالی و نابرابری وجود دارد. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که سیاست‌های شمول مالی باید با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر منطقه طراحی شوند تا تأثیر مثبتی بر کاهش نابرابری‌های درآمدی داشته باشند.

1. Fonseca and Matray

2. Segning, Djiogap, Piabuo and Noupie

باروم و ذولکپلی^۱ (۲۰۲۱) در مقاله "شمول مالی و هدف عدالت توزیعی در اقتصاد اسلامی" به بررسی نقش شمول مالی در تحقق عدالت توزیعی می‌پردازد و چارچوبی مفهومی برای ارتباط بین ابعاد شمول مالی و سه مرحله تحقق عدالت توزیعی یعنی پیش از تولید، پس از تولید و بازتوزیع ارائه می‌دهند. با تأکید بر اهمیت ویژگی‌های خاص مالی اسلامی که عدالت و انصاف را ترویج می‌دهند، این مقاله رویکردهایی برای تقویت مشارکت گروه‌های فقیر و حاشیه‌ای در فعالیت‌های اقتصادی را توصیه می‌کند. شمول مالی به این گروه‌ها اجازه می‌دهد تا به نظام مالی دسترسی داشته باشند، از خدمات مالی با هزینه‌های مقرون به صرفه استفاده کنند، فرصت‌های اقتصادی بیشتری را مورد استفاده قرار دهند و سهم عادلانه‌تری از توزیع درآمد را تجربه کنند. همچنین، تأکید می‌شود که کمک‌های مالی و امنیت اجتماعی برای گروه‌های آسیب‌پذیر باید به گونه‌ای اداره شود که افراد هدف واقعاً درگیر شوند. این چارچوب نه تنها توجیه نظری قوی برای پیگیری شمول مالی به عنوان یکی از روش‌ها برای تحقق اهداف اقتصاد اسلامی فراهم می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای عملیاتی‌سازی استراتژی‌های ترویج عدالت توزیعی نیز عمل کند.

عمر و اینابا^۲ (۲۰۲۰) در مقاله "آیا شمول مالی فقر و نابرابری درآمد را در کشورهای در حال توسعه کاهش می‌دهد؟ تحلیل داده‌های تابلویی" به بررسی تأثیر شمول مالی بر کاهش فقر و نابرابری درآمد در ۱۱۶ کشور در حال توسعه می‌پردازند. تحلیل‌ها با استفاده از داده‌های پانلی سالانه نامتوازن از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۶ انجام شده است. برای این منظور، شاخص جدیدی از شمول مالی با استفاده از مجموعه‌ای از شاخص‌های دسترسی به بخش مالی ساخته شده است. نتایج نشان می‌دهند که شمول مالی به طور قابل توجهی نرخ فقر و نابرابری درآمد را در کشورهای در حال توسعه کاهش می‌دهد. همچنین، این مطالعه شرایط خاصی را بررسی می‌کند که در آنها شمول مالی در تأثیرگذاری بر فقر و نابرابری درآمد مؤثر است، مانند رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ ثبت‌نام در مدارس متوسطه. این یافته‌ها نشان می‌دهد که تأثیر شمول مالی بستگی به عوامل اقتصادی مختلف و شرایط متفاوت دارد. نتایج این تحقیق پیامدهای سیاستی مهمی برای کشورهای در حال توسعه دارد، مانند اهمیت سازمان‌های مالی در ارائه خدمات مالی نوآورانه و مورد نیاز برای بخش‌های محروم جامعه و همکاری دولت‌ها و بانک‌های مرکزی برای توسعه زیرساخت‌های خدمات مالی.

کلینگ، پسکه-سلا، تیان و لوو^۳ (۲۰۲۰) در مقاله "نظریه‌ای درباره شمول مالی و نابرابری درآمد" به بررسی تأثیر شمول مالی بر نابرابری درآمد و سرمایه‌گذاری در آموزش پرداخته‌اند. بر اساس

1. Barom and Dzulkepli

2. Om, ar and Inaba

3. Kling, Pesqué-Cela, Lihui Tian and Luo

داده‌های مربوط به خانوارها در چین، تحلیل نشان می‌دهد که دسترسی به آموزش منجر به افزایش درآمدها می‌شود، اما سود مرزی بالاترین دستاوردهای تحصیلی با گذر زمان کاهش می‌یابد. همچنین، زنان و افراد ساکن در مناطق روستایی درآمدهای پایین‌تری دارند که بازده سرمایه‌گذاری در آموزش آن‌ها را کاهش می‌دهد. شمول مالی به کاهش شکاف سرمایه‌گذاری در آموزش کمک کرده است، اما این اثر بیشتر به دلیل دسترسی به حساب‌های پس‌انداز و نه وام‌های رسمی است. علاوه بر این، وام‌های غیررسمی تأثیر مثبت اما کوچکتری در بستن این شکاف دارند. به‌طور کلی، تأثیر شمول مالی بر نابرابری متنوع است و نشان می‌دهد که صرف افزایش دسترسی به وام‌ها لزوماً منجر به نتایج بهتر نمی‌شود. تحقیقات بیشتری لازم است تا درک بهتری از نحوه‌ی ترویج توسعه فراگیر توسط ابعاد مختلف شمول مالی حاصل شود.

نعیمه و گیس (۲۰۱۸) در مقاله "شمول مالی و ثبات در خاورمیانه و شمال آفریقا: شواهدی از فقر و نابرابری" به بررسی تأثیر شمول مالی بر نابرابری درآمد و فقر، و همچنین اثرات آزادسازی و یکپارچگی مالی بر ثبات مالی در هشت کشور منطقه منا پرداخته‌اند. نتایج تجربی نشان می‌دهند که شمول مالی نابرابری را کاهش می‌دهد اما تأثیر معناداری بر کاهش فقر ندارد. تورم و افزایش جمعیت هر دو عواملی هستند که نابرابری و فقر را افزایش می‌دهند. دیگر نتایج نشان دهنده این است که ثبت‌نام در مدارس متوسطه و باز بودن تجارت به طور قابل توجهی بر فقر تأثیر می‌گذارد. در حالی که شواهد تجربی نشان می‌دهد که اقدامات یکپارچگی مالی بدون هماهنگی به ناپایداری مالی کمک می‌کنند، شمول مالی و افزایش جمعیت به طور مثبت به ثبات مالی کمک می‌کنند. این مطالعه همچنین نشان داده است که دسترسی بیشتر به خدمات مالی به استحکام پایه تأمین مالی سپرده‌های نظام بانکی کمک کرده و این امر در زمان‌های بحران مالی اهمیت زیادی دارد. ثبات بیشتر در تأمین مالی بانک‌ها به ثبات کلی بخش بانکداری و سیستم مالی کمک می‌کند. یافته‌های این مطالعه می‌توانند به تدوین سیاست‌های بهتر برای اصلاح بخش مالی کمک کنند و نشان می‌دهند که گسترش استفاده از خدمات بانکی چگونه می‌تواند تأثیر مستقیمی بر توزیع درآمد داشته باشد.

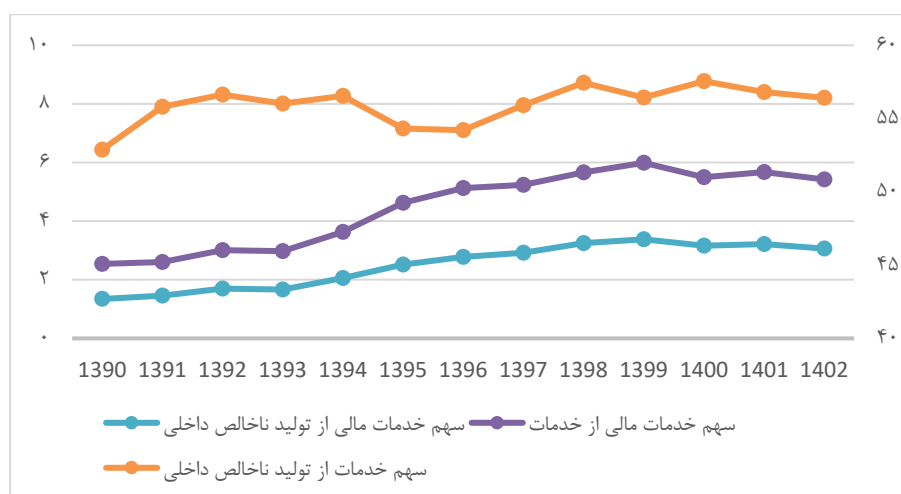
با مروری بر مطالعات تجربی در زمینه شمول مالی و عدالت اقتصادی چند نکته کلیدی به شرح زیر جلب توجه می‌نماید:

اهمیت شمول مالی در کاهش نابرابری درآمد، توانمندسازی اقشار محروم و رونق اقتصادی مورد تأکید می‌باشد. به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه که زیرساخت‌های مالی ضعیف‌تر بوده و عرضه نیروی کار ماهر محدود است، بهبود دسترسی به خدمات بانکی، اعتباری و الکترونیکی می‌تواند به کارآفرینی و رشد اقتصادی کمک کند و درعین حال نابرابری را کاهش دهد. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اثر شمول مالی بر نابرابری و فقر به ویژگی‌های ساختاری، اجتماعی-فرهنگی و سطح سرمایه

انسانی بستگی دارد. افزون بر این رویکردهای نوآورانه، از جمله بانکداری دیجیتال، مسئولیت اجتماعی بنگاه‌ها و اعتبارات خرد، باید همراه با سیاست‌های تکمیلی (مانند ارتقای آموزش و زیرساخت‌ها) اجرا شوند تا در کنار فراگیری مالی، پایداری اقتصادی و اجتماعی نیز تضمین گردد. همچنین، تأکید بر عدالت اقتصادی و اجرای استراتژی‌های محوری جهت برقراری عدالت اقتصادی، می‌تواند منجر به استفاده بهینه و کارآمدتر از منابع شود و در نهایت به توسعه پایدار منجر شود.

۲. آسیب‌شناسی اقتصاد ایران از منظر وضعیت شمول مالی (فرصت‌ها و چالش‌ها)

در اقتصاد ایران در میان بخش‌های مختلف اقتصادی بخش خدمات سهم غالب را در تولید ناخالص ملی دارد که در این میان فعالیت‌های مالی و بیمه یکی از زیر بخش‌های بخش خدمات به حساب می‌آیند که در سال‌های اخیر بطور متوسط سهم ۴,۴ درصدی از بخش خدمات و ۲,۵ درصدی از تولید ملی را تشکیل داده‌اند^۱. برای درک بهتر جایگاه خدمات مالی در اقتصاد ایران، نمودار تغییرات سهم خدمات مالی و سهم خدمات ارائه می‌شود، تا بتوانیم میزان اهمیت و نقش خدمات مالی را در کل اقتصاد کشور بهتر ارزیابی کرده و برآوردی دقیق‌تر از فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی شمول مالی در ایران داشته باشیم.



نمودار ۱. روند سهم بخش خدمات و زیر بخش خدمات مالی در اقتصاد ایران

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی

۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار فوق سه متغیر سهم خدمات مالی از بخش خدمات، سهم خدمات مالی از تولید ناخالص داخلی (مربوط به محور عمودی سمت چپ نمودار) و سهم بخش خدمات از تولید ناخالص داخلی (مربوط به محور عمودی سمت راست نمودار) را در فاصله زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ به تصویر کشیده است. همان گونه که مشاهده می شود، بخش خدمات همواره سهم قابل توجهی از اقتصاد ایران را به خود اختصاص داده و در میان آن، سهم خدمات مالی نیز به تدریج روندی افزایشی داشته است. این افزایش سهم زیربخش مالی حاکی از گسترش تدریجی نظام مالی و بیمه‌ای در اقتصاد کشور است.

از منظر شمول مالی، رشد فعالیت‌های مالی و بیمه‌ای به خودی خود می تواند امکان دسترسی گروه‌های مختلف اجتماعی به ابزارها و خدمات مالی (مانند حساب‌های بانکی، تسهیلات اعتباری، بیمه، ابزارهای سرمایه‌گذاری و ...) را بهبود بخشد. اما نکته کلیدی آن است که این گسترش باید به صورت فراگیر صورت گیرد و صرفاً به تقویت بخش مالی برای گروه‌های محدود منتهی نشود. در غیر این صورت، به جای بهبود عدالت اقتصادی، ممکن است تمرکز در توزیع منابع منجر به ایجاد رانت گردد. در مقابل، اگر گسترش خدمات مالی در راستای شمول حداکثری آحاد جامعه باشد و زیرساخت‌های مناسب برای همه فراهم آید، می تواند به توزیع عادلانه‌تر فرصت‌ها و منابع مالی کمک کند و در نهایت زمینه‌ساز تحقق عدالت اقتصادی شود.

بهره‌مندی از خدمات مالی همچون حساب‌های بانکی، وام‌ها، بیمه‌ها و ابزارهای سرمایه‌گذاری، نقش مهمی در افزایش کیفیت زندگی افراد ایفا می کند. در کشورهای مختلف، شاخص‌های متعددی برای سنجش میزان شمول مالی وجود دارد که هر یک از این شاخص‌ها بر اساس دسترسی، استفاده و کیفیت خدمات مالی قابل ارزیابی هستند. در این مطالعه، با توجه به وضعیت خاص اقتصادی و اجتماعی ایران و نیز امکان دسترسی به آمار و اطلاعات، به بررسی برخی از شاخص‌های منتخب شمول مالی پرداخته می شود. انتظار می رود وضعیت شاخص‌های مورد بررسی و تغییرات آنها در بستر زمان بتواند تصویری از تحولات شمول مالی در کشور در سال‌های اخیر ارائه نماید.

الف. تسهیلات پرداختی توسط نظام بانکی

جدول ۱. ترکیب تسهیلات دریافتی از نظام بانکی (به تفکیک نوع مصرف) طی ۸ ماه ابتدای سال ۱۴۰۳ (سهم از کل)

بخش اقتصادی هدف از دریافت	کشاورزی	صنعت و معدن	مسکن و ساختمان	بازرگانی	خدمات	متفرقه	بخش‌ها کل	مصرف کننده نهایی (خانوار)	جمع کل
ایجاد	۳۵,۳۷۸	۱۰,۶۶۴	۵۵,۳۴۳	۷,۴۰۴۰	۱۹,۸۵۹	۱۱,۶۴۵	۱۷,۶۴۸	—	۱۳,۵۳۵۴
تامین سرمایه در گردش	۵۵,۸۶۴	۸۴,۷۸۵	۳۶,۶۴۴	۸۶,۷۲۴	۷۴,۲۱۳	۸۷,۵۳۳	۷۶,۶۹۹	—	۵۸,۸۲۴۰
توسعه	۵,۷۱۴۰	۳,۹۰۳۲	۴,۰۷۲۷	۵,۳۸۲۲	۴,۲۷۰۰	۰,۳۸۵۷	۴,۳۱۵۷	—	۳,۳۰۹۹
قرض الحسنه اشتغال	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	—	۰,۰۰۰۰
قرض الحسنه اینتارگران	۰,۰۰۵۶۵	۰,۰۰۰۹۹	۰,۰۰۱۰۰	۰,۰۰۱۱۳	۰,۰۰۳۳۳	۰,۰۰۲۶۳	۰,۰۰۲۲۱	—	۰,۰۰۱۷۰
قرض الحسنه بهزیستی	۰,۳۵۷۵	۰,۰۰۳۹۲	۰,۰۰۱۷۲	۰,۰۰۴۲۶	۰,۰۱۳۴۶	۰,۰۰۳۱۸	۰,۰۰۹۴۹	—	۰,۰۱
قرض الحسنه کمینه	۰,۶۵۷۹	۰,۰۰۷۶۸	۰,۰۰۲۰۲	۰,۰۰۶۱۰	۰,۰۰۲۳۷۴	۰,۰۱۳۹۱	۰,۰۱۷۰۰	—	۰,۰۱۳۰۴
قرض الحسنه سایر اشتغال	۱,۵۰۲۶	۰,۱۴۳۷	۰,۰۰۶۷۲	۰,۰۰۳۹۳	۰,۰۰۴۹۳۳	۰,۰۰۲۱۱۴	۰,۰۰۳۴۶۷	—	۰,۰۰۲۶۵۹
تعمیرات	۰,۰۰۰۸۹	۰,۰۰۴۴۷	۰,۰۱۲۵۱	۰,۰۰۹۵۱	۰,۰۰۱۱۷	۰,۰۰۰۰۰	۰,۰۰۳۸۸	۱,۶۸۴۱	۰,۰۰۴۲۲۲
جعاله تعمیر مسکن	۰,۰۰۰۳۳	۰,۰۰۰۸۰	۰,۰۰۶۸۹	۰,۰۰۲۵۲	۰,۰۰۱۲۰۳	۰,۰۰۰۰۰	۰,۰۰۵۷۶	۰,۰۰۷۰۰۸	۰,۰۰۲۰۷۵
خرید مسکن غیر نوساز	۰,۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰	۰,۰۰۵۸۵۱	۰,۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۴۰	۰,۰۰۰۰۰	۰,۰۰۳۰۹	۱,۷۹۱۷	۰,۰۰۴۴۱۲
خرید مسکن نوساز	۰,۰۰۱۴۴	۰,۰۰۳۴۷	۲,۹۰۶۲	۰,۰۰۱۵۴	۰,۰۰۱۰۸۳	۰,۰۰۰۰۰	۰,۰۰۲۰۴۵	۳,۲۴۸۸	۰,۰۰۹۱۴۰
خرید کالای شخصی	۰,۰۰۴۱۸۴	۰,۰۰۲۶۳۵	۰,۰۰۹۰۸	۰,۰۰۱۹۱۴	۰,۰۰۴۰۱۴	۰,۰۰۲۶۸	۰,۰۰۳۱۰۹	۳۵,۹۰۳	۸,۶۰۶۲
خرید خودرو شخصی	۰,۰۰۰۰۶	۰,۰۰۱۵۱	۰,۰۰۰۰۴	۰,۰۰۰۳۲	۰,۰۰۰۱۴۰	۰,۰۰۰۰۰	۰,۰۰۱۱۸	۲,۴۷۵۰	۰,۰۰۵۸۵۹

قرض الحسنه ازدواج	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۱۲,۷۵۷ ۴	۲,۹۷۳۲
قرض الحسنه ضروری	۰,۰۲۳۱	۰,۰۰۸۰	۰,۰۴۰۸	۰,۰۰۳۵	۰,۰۰۹۵۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۴۴۹	۳۶,۶۳۸ ۳	۸,۵۷۳۳	
قرض الحسنه فرزندانآوری	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰	۲,۱۳۵۴	۰,۴۹۷۷	
ودیعه مسکن	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۲۸	۰,۰۰۸۲	۰,۰۰۱۴	۰,۰۰۳۸	۰,۰۰۰۰	۰,۰۰۳۱	۲,۶۶۴۶	۰,۶۲۳۴	
جمع	۵,۷۲۷۹	۳۸,۳۸۴ ۲	۴,۹۹۹۵	۱۰,۷۰۳ ۲	۴۰,۰۴۶ ۸	۰,۱۳۸۳	۷۶,۶۹۴ ۰	۲۳,۳۰۶ ۰	۱۰۰,۰۰۰ ۰	

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در جدول فوق مقصد تسهیلات پرداختی در بخش‌های اقتصادی طی ۸ ماه ابتدای سال ۱۴۰۳ به تصویر کشیده شده است. مطابق این جدول سهم تسهیلات پرداختی در قالب ایجاد در کل بخش‌های اقتصادی ۱۶,۹ درصد کل تسهیلات پرداختی است. سهم تسهیلات پرداختی در قالب تأمین سرمایه در گردش در کل بخش‌های اقتصادی معادل ۷۷,۵ درصد کل تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار است.

جدول ۲. ترکیب تسهیلات دریافتی از نظام بانکی (به تفکیک نوع مصرف) سال ۱۴۰۰

(سهم از کل)

بخش اقتصادی هدف از دریافت	کشاورزی	صنعت و معدن	مسکن و ساختمان	بازرگانی	خدمات	متفرقه	کل بخش‌ها
ایجاد	۱۹,۲۵۴۷	۱۳,۸۹۳۳	۲۳,۹۹۵۳	۳,۱۷۶۷	۱۰,۱۹۲۵	۵,۰۰۶۹	۱۱,۷۱۳۶
تامین سرمایه در گردش	۶۹,۴۰۳۱	۷۷,۴۱۹۰	۲۷,۵۶۲۰	۴۶,۱۷۵۰	۶۸,۳۰۱۱	۸۵,۸۱۹۵	۶۵,۲۸۸۴
تعمیر	۰,۳۴۵۴	۰,۸۸۰۷	۱۷,۰۳۱۱	۰,۲۱۵۵	۱,۶۱۲۷	۰,۴۵۱۵	۲,۰۴۸۳
توسعه	۶,۷۰۶۱	۷,۰۹۰۲	۹,۴۰۹۳	۵,۷۰۲۱	۱۰,۲۶۱۸	۷,۲۷۸۲	۸,۳۳۳۱
خرید کالای شخصی	۱,۲۰۴۶	۰,۳۷۲۶	۰,۰۱۲۶	۴۴,۴۴۱۹	۰,۵۱۹۵	۰,۰۰۰۰	۷,۱۰۷۴
خرید مسکن	۰,۱۳۷۷	۰,۲۲۸۲	۲۰,۴۹۱۷	۰,۱۶۸۰	۰,۷۰۳۱	۰,۱۰۲۰	۱,۶۶۳۷
سایر	۲,۹۴۸۳	۰,۱۱۵۹	۱,۴۹۸۱	۰,۱۲۰۹	۸,۴۰۹۳	۱,۳۴۲۰	۳,۸۵۵۵

۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	جمع
.	.	.	.	۱۰۰,۰۰۰	.	.	

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در جدول فوق مقصد تسهیلات پرداختی در بخش‌های اقتصادی در سال ۱۴۰۰ به تصویر کشیده شده است. مطابق این جدول سهم تسهیلات پرداختی در قالب ایجاد در کل بخش‌های اقتصادی ۱۱,۷ درصد کل تسهیلات پرداختی است. سهم تسهیلات پرداختی در قالب تأمین سرمایه در گردش در کل بخش‌های اقتصادی ۶۵,۳ درصد کل تسهیلات پرداختی به صاحبان کسب و کار است. با توجه به داده‌های جدول ۱ و ۲، از منظر شمول مالی و عدالت اقتصادی، دو نکته قابل استنباط می‌باشد:

- حفظ پایداری کسب‌وکارها و اشتغال موجود: اعطای تسهیلات برای سرمایه در گردش می‌تواند به تداوم فعالیت بنگاه‌ها، حفظ اشتغال و جلوگیری از بیشتر شدن شکاف اقتصادی کمک کند.
- محدودیت در ورود و رشد بنگاه‌های نوظهور: در مقابل، سهم اندک تسهیلات ایجاد می‌تواند مانع ورود کسب‌وکارهای جدید یا گسترش ظرفیت‌های تازه باشد. این امر به معنای آن است که بخش قابل توجهی از منابع مالی در دسترس، بیشتر در خدمت بنگاه‌های موجود قرار می‌گیرد و امکان دستیابی کارآفرینان نوپا، مشاغل کوچک و اقشار کمتر برخوردار به تسهیلات کاهش می‌یابد.

همچنین با مقایسه آمار ارائه شده توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مربوط به سهم تسهیلات پرداختی "ایجاد" و "تأمین سرمایه در گردش" در کل بخش‌های اقتصادی در ۸ ماه ابتدای سال ۱۴۰۳ و سال ۱۴۰۰ توجه به تغییرات صورت گرفته ضروری است، بدین شرح که:

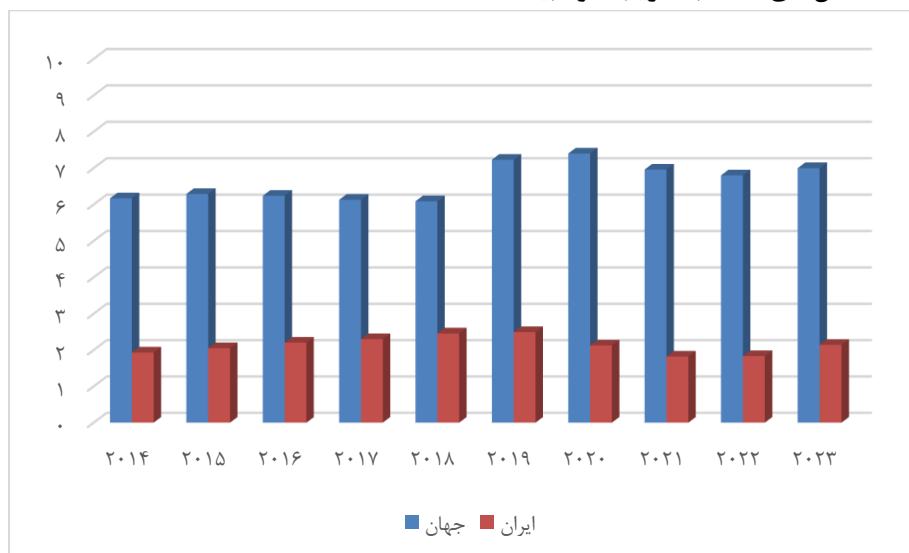
در بخش "ایجاد" افزایش سهم ۱۱,۷ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۱۶,۹ درصد در سال ۱۴۰۳ را شاهد هستیم و در بخش "تأمین سرمایه در گردش" درصد کلی از ۶۵,۳ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۷۷,۵ درصد در سال ۱۴۰۳ افزایش داشته است. در ارزیابی عملکرد توزیع تسهیلات میان بخش‌های مختلف از منظر شمول مالی چند موضوع جلب توجه می‌نماید:

- ۱- سهم تسهیلات اختصاص داده شده به سرمایه در گردش طی دوره مورد بررسی چنانچه از منظر توزیع منابع میان SMEها بررسی گردد، می‌تواند نقطه مثبتی از حیث شمول مالی به حساب آید. به ویژه آنکه این افزایش سهم با افزایش سهم سرمایه‌گذاری‌های ایجاد همراه بوده است.
- ۲- نکته دیگر رویکرد حاکمیت به تخصیص منابع به مصرف‌کنندگان نهایی (خانوارها) است که طی سال‌های اخیر افزایش قابل توجهی داشته است. این موضوع به خودی خود با توجه به

مصادیق مصرف آن (همچون وام‌های ازدواج، خرید کالا، فرزندآوری و ...) می‌تواند مصداقی از شمول مالی به حساب آید. بدیهی است در ارزیابی کل این اقدامات می‌بایست شرایط حاکم بر بخش پولی و اعتباری کشور مد نظر باشد.

از منظر عدالت اقتصادی، اگر توزیع تسهیلات به گونه‌ای باشد که تمام اقشار جامعه—به‌ویژه آن‌هایی که از نظر مالی در حاشیه قرار دارند—بتوانند از منابع مالی برخوردار شوند، آنگاه رشد فراگیر و توزیع متوازن فرصت‌ها تسهیل می‌شود. در غیر این صورت، تمرکز تسهیلات بر بنگاه‌های مستقر، ممکن است مانع از گسترش شمول مالی و ایجاد فرصت‌های برابری برای همه شود. بنابراین، افزایش سهم تسهیلات ایجاد در کنار تأمین سرمایه در گردش می‌تواند به توزیع عادلانه‌تر منابع، رشد کسب‌وکارهای جدید، و در نهایت، ارتقای شمول مالی و عدالت اقتصادی بیانجامد.

ب. شاخص‌های منتخب ضریب نفوذ بیمه



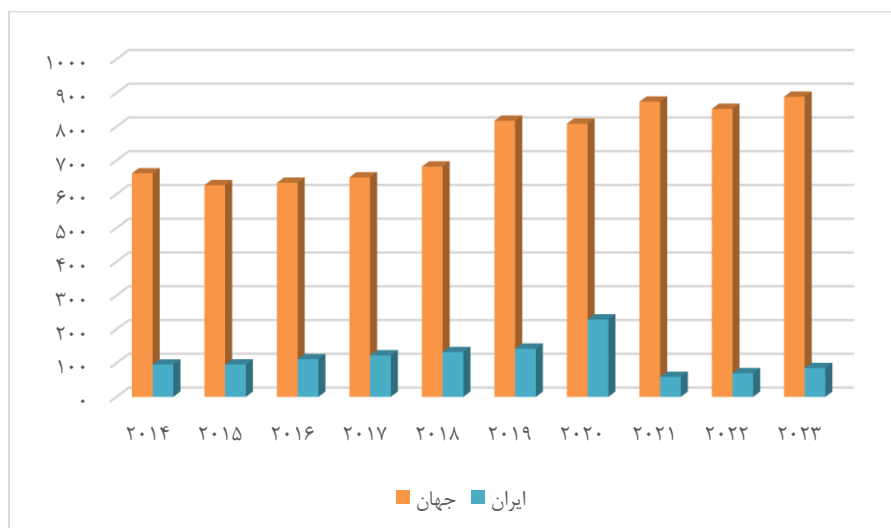
نمودار ۲. ضریب نفوذ بیمه

منبع: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۲ ضریب نفوذ بیمه را در ایران و جهان از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود ضریب نفوذ بیمه در ایران از سطح پایینی حدود ۲ درصد شروع می‌شود و تا سال ۲۰۲۳ به حدود ۳ درصد افزایش می‌یابد. که نشان‌دهنده رشد تدریجی نفوذ بیمه در ایران است.

لازم به توضیح است روند کاهشی ضریب نفوذ بیمه از سال ۱۳۹۹ (۲۰۲۰) تا پایان سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۲)، به دلیل رشد اسمی بالاتر تولید ناخالص داخلی (به واسطه تورم قیمت‌ها) در مقایسه با رشد حق بیمه تولیدی بوده است.

ضریب نفوذ جهانی از حدود ۵,۵ درصد در سال ۲۰۱۴ شروع شده و به بیشترین حد خود در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ (بیش از ۷ درصد) می‌رسد، پس از آن تا سال ۲۰۲۳ نسبتاً ثابت باقی می‌ماند. که افزایش و ثبات بازارهای بیمه در جهان را نشان می‌دهد. نوسان شاخص مورد بررسی در ایران در محدوده ۲٪ و تفاوت معنادار آن با متوسط جهانی حکایت از وضعیت نامناسب این شاخص از منظر شمول مالی در کشور دارد. این افزایش تدریجی نشان‌دهنده عدم دسترسی کامل و عمومی به خدمات بیمه‌ای است. کمبود پذیرش و نفوذ بیمه در ایران می‌تواند مانعی بر سر راه تحقق شمول مالی باشد، زیرا بیمه نقش مهمی در کاهش ریسک‌های مالی و افزایش امنیت اقتصادی افراد دارد. بهبود شمول بیمه‌ای می‌تواند به توانمندسازی اقتصادی و کاهش آسیب‌پذیری مالی جمعیت کمک کند، که برای رشد و توسعه اقتصادی ایران حیاتی است.

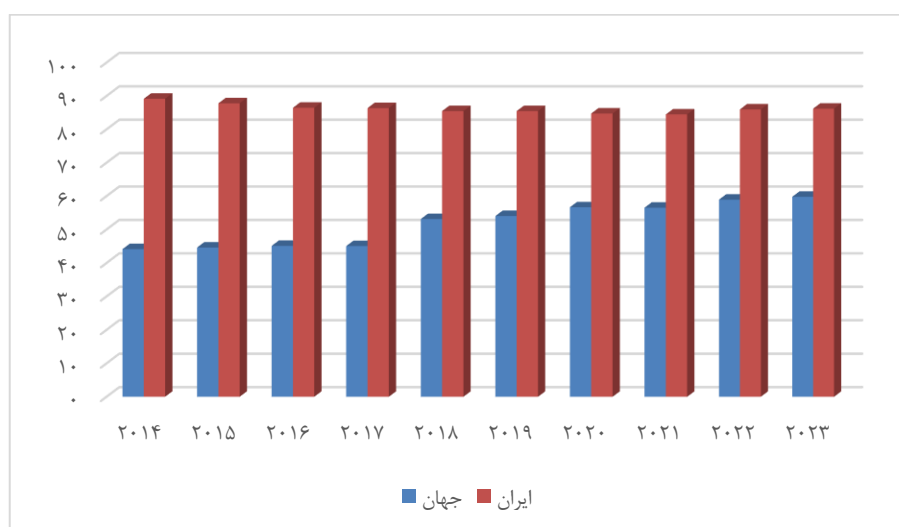


نمودار ۳. حق بیمه سرانه

منبع: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نمودار ۳ نشان‌دهنده حق بیمه سرانه در ایران و در سطح جهانی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ است. با توجه به نمودار فوق، حق بیمه سرانه در ایران از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ دارای افزایش نسبتاً ملایم

است. با این حال، این سطح در مقایسه با متوسط جهانی به صورت معناداری کمتر می‌باشد. در حالی که در سطح جهانی، حق بیمه سرانه رشد قابل توجه و پیوسته‌ای با افزایش مداوم از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ داشته است. شکاف بین حق بیمه سرانه در ایران و جهان نشان‌دهنده تفاوت در سطح پذیرش و دسترسی به خدمات بیمه‌ای و چالش موجود در این حوزه از منظر شمول مالی است. کمبود شمول بیمه‌ای در ایران می‌تواند بر توانایی افراد برای مدیریت ریسک‌ها و بهبود شرایط اقتصادی‌شان تأثیر منفی بگذارد. تقویت نفوذ بیمه در جامعه ضروری است تا از طریق کاهش آسیب‌پذیری مالی، گسترش شمول مالی پایدارتر و رشد اقتصادی تقویت شود.



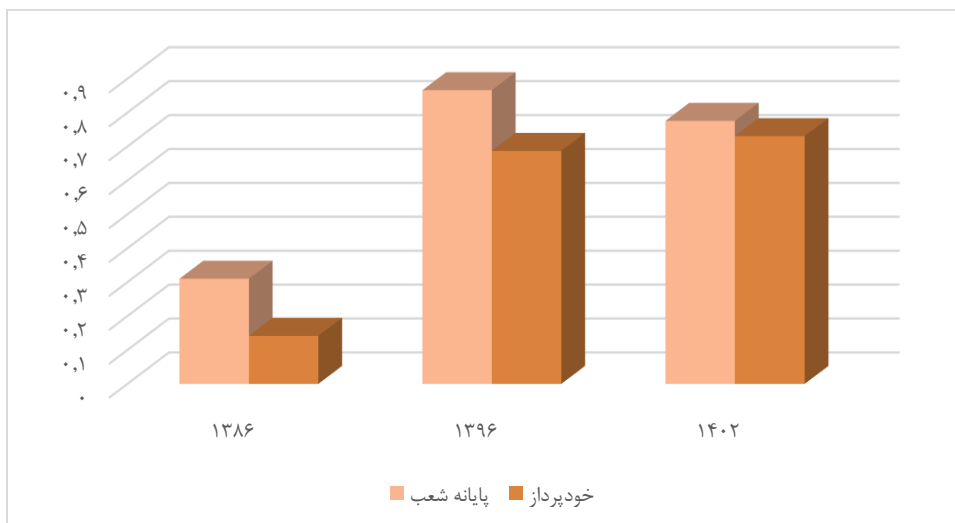
نمودار ۴. سهم حق بیمه‌های غیر زندگی

منبع: بیمه مرکزی جمهوری اسلامی

نمودار ۴ سهم حق بیمه‌های غیر زندگی را در ایران و در سطح جهانی از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۳ را نشان می‌دهد. حق بیمه غیر زندگی در ایران طی دوره زمانی نشان داده شده بالا بوده و نسبتاً ثابت است، که نشان‌دهنده پایداری در استفاده از این نوع بیمه در ایران است. حق بیمه غیر زندگی در سطح جهانی نیز نسبتاً پایدار است اما در مقایسه با ایران پایین‌تر است. به نظر می‌رسد این شرایط ریشه در سهم بسیار اندک بیمه‌های زندگی و عدم بلوغ آنها در ترکیب خدمات بیمه‌ای کشور می‌باشد که باعث گردیده حق بیمه‌های غیر زندگی سهم غالب در خدمات بیمه‌ای را کسب کرده و از این حیث

تفاوت معنی داری میان وضعیت ایران و متوسط جهانی بوجود آید. به نظر می‌رسد عدم اقبال ایرانیان به بیمه‌های زندگی را می‌توان یکی از چالش‌های شمول مالی در کشور به حساب آورد.

ج. پرداخت‌های الکترونیک



نمودار ۴. ابزارهای پرداخت

منبع: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

در نمودار فوق سرانه در دسترس بودن ابزارهای پرداخت (خودپرداز و پایانه شعب) به ازای هر هزار نفر در سال‌های ۱۳۸۶، ۱۳۹۶ و ۱۴۰۲ رسم شده است. همانطور که مشاهده می‌شود در سال ۱۳۹۶ نسبت به سال ۱۳۸۶ افزایش قابل توجهی در خصوص در دسترس بودن این ابزارهای پرداخت مشاهده می‌شود که توسعه شمول مالی را در این ده سال نشان می‌دهد. نمودار مربوط به پایانه شعب در سال ۱۴۰۲ نسبت به سال ۱۳۹۶ کاهش یافته است که بنظر می‌رسد به دلیل افزایش استفاده عموم مردم از اینترنت بانک، موبایل بانک و ...، مراجعه به شعب بانک‌ها و نیاز به استفاده از پایانه شعب کاهش یافته است.

بررسی شمول مالی از طریق تحلیل سه شاخص تسهیلات پرداختی در بخش‌های اقتصادی، ضریب نفوذ بیمه، و دسترسی به ابزارهای پرداخت الکترونیکی نشان دهنده روندهای مختلف در تلاش برای بهبود دسترسی مالی در ایران است:

الف. تسهیلات پرداختی: افزایش تسهیلات در بخش‌های "ایجاد" و "تأمین سرمایه در گردش" نشان‌دهنده تلاش نظام بانکی برای حمایت از کسب و کارها و توسعه اقتصادی است. این اقدامات می‌توانند به عنوان مؤلفه‌های مهمی در افزایش فرصت‌های کارآفرینی و توسعه پایدار کسب و کارهای نوپا و موجود دیده شوند. توزیع بالاتر تسهیلات در بخش تأمین سرمایه در گردش همچنین به نگهداری و پایداری مشاغل کمک می‌کند، که این خود نشان‌دهنده یک رویکرد جامع‌تر به شمول مالی است.

ب. ضریب نفوذ بیمه: افزایش تدریجی ضریب نفوذ بیمه در ایران از ۲٪ در سال ۲۰۱۴ به تقریباً ۳٪ در سال ۲۰۲۳، هرچند که کمتر از میانگین جهانی است، باز هم حاکی از پیشرفت‌هایی در این حوزه است. با این حال، رشد نامتناسب حق بیمه تولیدی نسبت به رشد اسمی GDP به دلیل تورم قیمت‌ها، چالش‌هایی را در پذیرش و دسترسی گسترده به بیمه نشان می‌دهد که می‌تواند مانعی بر سر راه تحقق شمول مالی واقعی باشد.

ج. دسترسی به ابزارهای پرداخت الکترونیکی: افزایش قابل توجه تعداد خودپردازها و پایانه‌های فروشگاهی در دهه گذشته نشان‌دهنده تلاش برای بهبود دسترسی به خدمات مالی است. با این حال، کاهش در تعداد پایانه‌های شعبه در سال‌های اخیر ممکن است ناشی از گرایش به استفاده از روش‌های پرداخت دیجیتال‌تر و کمتر وابسته به مکان‌های فیزیکی باشد. این تغییرات می‌توانند نشان‌دهنده پذیرش گسترده‌تر فناوری‌های نوین مالی و کاهش وابستگی به ساختارهای سنتی باشند، که در نهایت به بهبود شمول مالی کمک می‌کند.

در کل، هرچند که شاخص‌ها نشان‌دهنده پیشرفت‌هایی در زمینه شمول مالی هستند، اما همچنان چالش‌ها و فرصت‌های بسیاری برای بهبود دسترسی به خدمات مالی در ایران وجود دارد. توسعه فراگیر خدمات مالی نیازمند تداوم سیاست‌های حمایتی، نوآوری در محصولات مالی و تقویت زیرساخت‌های فناوری است تا تمام اقشار جامعه بتوانند به طور مؤثری به این خدمات دسترسی داشته و توسعه شمول مالی و در نتیجه برقراری عدالت اقتصادی تسهیل گردد.

در این راستا اشاره به چند نکته به شرح زیر ضروری است:

- شرایط ایران پیوسته در حال تغییر است اما بهبودهایی در آن مشاهده می‌شود.
- شرایط دولتی حاکم بر بازارهای پولی و مالی کشور در برقراری شرایط موجود بسیار مؤثر است. مثلاً وجود واقعیت‌هایی چون تسهیلات تکلیفی در نظام بانکی، پدیده سرکوب مالی، نرخ بهره کنترل‌ی، روند (فزاینده) اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی، جریان فزاینده خلق اعتبار توسط نظام بانکی و ...
- فاصله معنادار عملکرد بازارهای مالی (همچون بیمه) کشور با متوسط جهانی

- تأکید سیاست‌گذاران به ویژه در سال‌های اخیر به هدایت اعتبارات بر مصادقی با ملاحظات اجتماعی همچون وام‌های ازدواج، فرزندآوری و ... جلب توجه می‌نماید.
- افزون بر شاخص‌های کمی و کیفی شمول مالی که تا کنون مورد بررسی قرار گرفت، بنظر می‌رسد رویکرد و محتوای برنامه هفتم توسعه در شرایط موجود می‌تواند در زمینه تقویت زیرساخت‌های مالی، ارتقای عدالت در توزیع منابع بانکی و تسهیل سرمایه‌گذاری عمومی از منظر شمول مالی یک فرصت به حساب آید. در برنامه هفتم توسعه از یک سو بر توزیع عادلانه منابع تأکید شده است (مانند بند ب ماده ۳ و ماده ۱۱۹) که می‌تواند جلوه‌ای از شمول مالی باشد (بدیهی است در این راستا می‌بایست کارایی در تخصیص منابع نیز حفظ شود). از سوی دیگر، ایجاد بسترهای سپرده‌گذاری و سرمایه‌گذاری برای عموم مردم در بند ب ماده ۳ مطرح شده است. همچنین در بند پ ماده ۱۰، سیاست‌گذاری‌های پولی به‌عنوان ابزاری کلیدی در تسهیل دسترسی به خدمات مالی و تحقق عدالت اقتصادی تصریح شده است. در نهایت، از منظر عرضه و تقاضای منابع، مواد ۱۰ و ۱۱۹ بیشتر بُعد تقاضا را مدنظر قرار می‌دهند، در حالی که بند ب ماده ۳ بر عرضه منابع تأکید دارد.

۳. ارتباط میان شمول مالی و عدالت اقتصادی

همانگونه که مطرح گردید توسعه شمول مالی می‌تواند به عنوان یکی از بسترهای تقویت (ارتقاء) عدالت اقتصادی در فرآیند توسعه اقتصادی کشورها مدنظر قرار گیرد. جهت بیان بهتر این موضوع در ادامه تلاش گردیده ضمن احصای پیامدهای (کارکردهای) شمول مالی و شاخص‌های عدالت اقتصادی (که در ادبیات موضوع مورد اشاره قرار گرفته‌اند) ارتباط میان آنها تبیین گردد. این موضوع در نمودار زیر به تصویر کشیده شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود برخی از پیامدهای شمول مالی می‌توانند با تعداد قابل توجهی از مؤلفه‌های عدالت اقتصادی مرتبط شوند که به صورت نمونه می‌توان به کارکرد "دسترسی برابر به منابع" از پیامدهای شمول مالی اشاره نمود که با مؤلفه‌هایی چون "عدالت بین

۱. ماده ۳- الزام وزارت امور اقتصادی و دارایی در راستای تقویت تأمین منابع مالی تولید در قالب اقداماتی چون: سرمایه‌گذاری عموم مردم در طرح (پروژه)‌های دارای بازدهی یا ارزآوری بالا و انتشار اوراق بدهی (ارزی-ریالی).

ماده ۱۱۹- تکلیف دولت در زمینه برنامه‌های: نظام تأمین مالی خرد، ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی، سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف و رفع تبعیض در بهره‌مندی از منابع عمومی.

۲. ماده ۱۰- اصلاح فرایندهای اعطای تسهیلات و افزایش نسبت تسهیلات به سپرده برای استان‌ها و مناطق محروم و کم‌برخوردار

نسلی"، "انسجام اجتماعی و عدم تبعیض"، "کاهش فقر" و "دسترسی عادلانه به منابع" در حوزه عدالت اقتصادی مرتبط است.

شاخص‌های عدالت اقتصادی / پیامدهای شمول مالی	عدالت بین نسلی	انسجام اجتماعی و عدم تبعیض	کاهش فقر	دسترسی عادلانه به منابع	برابری فرصت‌ها	عدالت اطلاعاتی	عدالت در شرایط بحران	آزادی در عملکرد	شمول و پایداری یکسان به قوانین
دسترسی برابر به منابع	۲	۳	۱	۳	-	-	-	-	-
کاهش رانت و فساد	۱	۱	-	۳	۳	-	-	-	-
کاهش تبعیض	۲	۲	-	۳	۳	-	-	-	۲
توزیع مطلوب جغرافیایی / سنی / جنسیتی	۱	۲	۱	۲	۳	۲	-	۲	-
شفافیت اقتصادی	-	-	-	-	-	۳	۱	۳	-
دسترسی به اطلاعات	-	۱	-	-	۱	۳	۱	۱	-
کاهش هزینه مبادله	-	-	-	-	-	۳	-	۲	۱
بهبود فرصت‌های اقتصادی	-	-	۲	-	۱	-	-	۱	-
تقویت امنیت اقتصادی	-	۳	-	-	-	-	۱	۱	-

جدول ۳. ارتباط میان شمول مالی و شاخص‌های عدالت اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش (با اقتباس از عزتی و همکاران، ۱۴۰۰؛ رجایی، ۱۳۹۲، شاکری و همکاران؛ ۱۳۹۷ و ...)

جدول فوق ارتباط میان شمول مالی و شاخص‌های عدالت اقتصادی را به تصویر کشیده است، مقیاس ارزیابی در این ماتریس از ۱ تا ۳ در نظر گرفته شده که: عدد ۳ بیانگر بیشترین ارتباط (یا بیشترین اهمیت نسبی) بین دو شاخص، عدد ۱ بیانگر کمترین ارتباط (یا کمترین اهمیت نسبی) و عدد ۲ نیز بیانگر ارتباط متوسط است. این فرایند، امکان رتبه‌بندی عوامل مرتبط با شمول مالی و عدالت اقتصادی را بر اساس شدت ارتباطشان با یکدیگر فراهم می‌آورد. شاخص‌هایی که در این ماتریس عدد ۳ را نشان می‌دهند، بیانگر آنند که تأثیر یا همبستگی آنها با سایر شاخص‌ها بالاتر است و در نتیجه نقش مهم‌تری در سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری خواهند داشت. در مقابل، شاخص‌هایی

که عدد ۱ دریافت می‌کنند، دارای ارتباط ضعیف‌تر با سایر شاخص‌ها هستند و برای اثرگذاری معنادار در شمول مالی یا ارتقای عدالت اقتصادی، به توجه یا اصلاح بیشتری نیاز دارند.

این جدول نشان می‌دهد چگونه افزایش دسترسی به خدمات مالی رسمی و مناسب می‌تواند در کاهش نابرابری‌های اقتصادی و توزیع منصفانه‌تر منابع کمک کند. همانطور که مشاهده می‌شود ارتباط وثیقی بین شمول مالی و شاخص‌های عدالت اقتصادی برقرار است و برخی از پیامدهای شمول مالی می‌تواند با تعداد قابل توجهی از مؤلفه‌های عدالت اقتصادی مرتبط شود.

در برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران نیز مفادی از شمول مالی به‌عنوان یکی از راهکارهای کاهش نابرابری و تحقق عدالت اجتماعی ذکر شده است (که به آنها اشاره شد)، که نشان دهنده اهمیت توسعه شمول مالی جهت ارتقاء عدالت اقتصادی در اسناد بالادستی کشور است.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

شمول مالی را می‌توان ابزاری کارآمد برای تحقق اهداف عدالت اقتصادی در کشور قلمداد نمود. شمول مالی در بردارنده طیف وسیعی از خدمات مالی (شامل حساب‌های بانکی، اعتبارات خرد، بیمه، خدمات الکترونیکی پرداخت، ابزارهای سرمایه‌گذاری و نظایر آن) است که دسترسی اقشار مختلف به این خدمات در کنار استفاده مؤثر و آگاهانه از آنها، موجب افزایش فرصت‌های اقتصادی برای همگان می‌شود و ریشه‌های نابرابری را تضعیف می‌کند. از منظر کلان، رشد شمول مالی قادر است کارآفرینی را رونق دهد، ساختار مالی و اقتصادی را باثبات‌تر سازد، آسیب‌پذیری در مقابل شوک‌های اقتصادی را کاهش دهد و درنهایت پایداری رشد و توزیع عادلانه‌تر منابع را در پی داشته باشد.

مروری بر شاخص‌های شمول مالی در ایران (نظیر سهم تسهیلات ایجاد در کل تسهیلات بانکی، ضریب نفوذ بیمه، دسترسی به ابزارهای پرداخت الکترونیکی و ...) حاکی از پیشرفت نسبی در این حوزه است؛ بااین‌حال اختلاف معنادار برخی از شاخص‌های کلیدی با میانگین جهانی و نیز چالش‌هایی همچون محدودیت دسترسی اقشار کم‌برخوردار به تسهیلات بانکی، مشکلات ساختاری نظام مالی، سهم پایین بیمه‌های زندگی و ... نشان از فاصله قابل‌توجه با وضعیت مطلوب دارد. از سوی دیگر، جهت‌گیری سیاست‌گذاران در برنامه هفتم توسعه مبنی بر ارتقای کارآمدی نظام مالی، تسهیل دسترسی همگانی به اعتبارات (به‌ویژه وام‌های خرد و روستایی)، اولویت‌دهی به مسئولیت اجتماعی بانک‌ها و بنگاه‌های مالی و نیز فراهم آوردن زیرساخت‌هایی برای نوآوری‌های دیجیتال، فرصت مناسبی است تا شمول مالی به‌طور جدی‌تر دنبال شود.

مجموع این شواهد نشان می‌دهد هرچند گسترش شمول مالی نمی‌تواند تنها راهکار ارتقای عدالت اقتصادی تلقی گردد، اما قطعاً یکی از ارکان اساسی برای برقراری توزیع عادلانه فرصت‌ها و دستیابی

به رشد اقتصادی پایدار به‌شمار می‌رود. از این‌رو، در کنار اصلاحات ساختاری و نهادی در حوزه پولی - مالی و ارتقای سواد مالی مردم، تداوم سیاست‌های حمایتی در حوزه تأمین مالی خرد، توزیع عادلانه تسهیلات بین بخش‌های مختلف و تسهیل ورود نوآوری‌های فین‌تک می‌تواند ضمن رفع بسیاری از شکاف‌های موجود، بستر را برای تحقق عدالت اقتصادی فراهم سازد. ترکیب این اقدامات با فرهنگ‌سازی و بسترسازی قانونی، زمینه‌ساز تحول و پایداری بلندمدت نظام اقتصادی خواهد شد.

منابع

۱. بیدختی، سمانه؛ اسماعیل پور مقدم، هادی و رزمی، سید محمد جواد (۱۴۰۲). اثر شمول مالی بر نابرابری درآمد در کشورهای منتخب در حال توسعه، *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، ۱۷(۳۶).
۲. توتونچیان، ایرج و عیوضلو، حسین (۱۳۷۹). کاربرد نظریه عدالت اقتصادی در نظام اسلامی توزیع ثروت و درآمد، *تحقیقات اقتصادی*، ۵.
۳. رجایی، سید محمد کاظم (۱۳۹۸). معیارهای عدالت اقتصادی، *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۸(۲۹).
۴. شاکری، عباس؛ مومنی، فرشاد؛ خادم علیزاده، امیر و مخزن موسوی، سیدهادی (۱۳۹۷). درآمدی بر شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی با رویکردی اسلامی، *اقتصاد اسلامی*، ۱۹(۷۴).
۵. صدری، حامد (۱۳۹۱). معیارهای عدالت اقتصادی، استخراج و مصرف کارا و عادلانه منابع پایان پذیر، *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۱۱(۱).
۶. عزتی، محمدجواد؛ عزتی، مرتضی و مزینی، امیرحسین (۱۴۰۰). تحلیل مؤلفه‌های عدالت اقتصادی ایران، *سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۳۵.
7. Atadouanla Segning, Beauclair ; Fouopi Djiogap, Constant ; Mandiefe Piabuo, Serge ; Ngasseu Noupie, Elie (2024). Financial Inclusion and Income Inequality in Sub-Saharan Africa: Taking Socio-Cultural Particularities into Account, *Journal of the Knowledge Economy*, Vol. 15.
8. Bakhsh, Satar; Zhang, Wei; Ali, Kishwar and Anas, Muhammad (2024). Transition towards environmental sustainability through financial inclusion, and digitalization in China: Evidence from novel quantile-on-quantile regression and wavelet coherence approach, *Technological Forecasting and Social Change*, Vol 198.
9. Barom, Mohd Nizam and Dzulkepli, Suziraha (2021). Financial Inclusion and the Goal of Distributive Justice in Islamic Economic, *The Journal of Muamalat and Islamic Finance Research*, Vol 18.
10. Barus, Elida Elfi; Syahrial, Murah; Muchtar, Evan Hamzah and Trianto, Budi (2024). Islamic Financial Literacy, Islamic Financial Inclusion and Micro-Business Performance, *Revista mexicana de economía y finanzas*, Vol 19, No 1.
11. Fonseca, Julia; Matray, Adrien (2024). Financial inclusion, economic development, and inequality: Evidence from Brazil, *Journal of Financial Economics*, Vol. 156.
12. Heyert, Axelle and Weill, Laurent (2024). Is financial inclusion a source of happiness?, *International Review of Financial Analysis*, Vol 96.
13. Heller, Aagnes (2018). *The Theory of Need in Marx*, Verco publication, Third Edition.

14. Khémiri, Wafa; Chafai, Ahmed; Fathi Attia, Eman; Tobar, Rewayda and Fouad, Heba Farid (2024). Trade-off between financial inclusion and Islamic bank stability in five GCC countries: the moderating effect of CSR, *Cogent Business & Management*, Vol 11, No 1.
15. Kling, Gerhard; Pesqué-Cela, Vanesa; Tian, Lihui; and Luo, Deming (2022). A theory of financial inclusion and income inequality, *The European Journal of Finance*, Vol 28.
16. Mill, John Stuart (1863). *Utilitarianism*, The Floating Press.
17. Neaime, Simon; Gaysset, Isabelle (2018). Financial inclusion and stability in MENA: Evidence from poverty and inequality, *Journal Finance Research Letters*, Vol 24.
18. Nozick, Robert (1974). *Anarchy, State, and Utopia*, Blackwell publishing.
19. Omar, Md Abdullah; Inaba, Kazuo (2020). Does financial inclusion reduce poverty and income inequality in developing countries? A panel data analysis, *Journal of Economic Structures*, vol 9.
20. Rawls, John (1971). *A Theory of Justice*, Cambridge University Press.
21. Saranu, Salisu; Yusuf, Tilde Isah; Gambo, Nasamu and Maitala, Faiza Haruna (2024). Financial Inclusion and Nigerian Economic Growth: An Empirical Investigation (2001-2021), Vol 12, No 1.
22. Sen, Amartya (1985). *Commodities and Capabilities*, Harvard University.
23. Suhrab, Muhammad; Chen, Pinglu and Ullah, Atta (2024). Digital financial inclusion and income inequality nexus: Can technology innovation and infrastructure development help in achieving sustainable development goals?, *Technology in Society*, Vol 76.
24. <https://www.investopedia.com>
25. <https://www.worldbank.org/>
26. <https://www.womensworldbanking.org>.

